

## نگرشی بر اصول تربیتی آموزشی امامان معصوم(ع) با تأکید بر رویه شاگردپروری امام جعفر صادق(ع)

داود محمدجانی<sup>۱</sup>، امیر فاضلی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه مهارت شهید شمسی پور تهران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

### چکیده

امامان معصوم، به عنوان رهبران دینی و اخلاقی، تربیت شاگردان خود را بسیار مهم می دانستند. آن ها با رفتارها و اخلاقیات خود، به عنوان الگویی برای شاگردان خود عمل می کردند. آن ها از اصول و ارزش های اخلاقی و معنوی پیروی می کردند و این اصول را به شاگردان خود نیز آموزش می دادند. این پژوهش درصدد آن است که بازتابی از سیر بنیانگذاری نظام شاگردپروری توسط امام صادق (ع) تا نهادینه سازی آن در دوران امامت ایشان را ارائه نماید. در مقاله حاضر، ضمن مذاقه و تعمق در اصول و روش های تربیتی امامان معصوم(ع) به شیوه شاگردپروری امام جعفر صادق(ع) پرداخته شده است. بررسی ها نشان داد که امام-صادق (ع) بستر مناسبی برای بازسازی نظام مند و عالمانه نظام آموزشی شیعی تدارک دیدند و از هر فرصتی برای زایایی و پویایی این نظام بهره بردند. یکی از مهم ترین زمینه های گسترش این نظام مناظره ها و مباحثاتی بود که امام (ع) با عالمان و معتقدان به فرقه ها، ادیان و نحله های مختلف درون دینی و برون دینی داشتند. در مدرسه علمی امام صادق (ع) اکتشاف و روش آموزشی و اخلاقی ایشان در فکر و عمل از آن استنباط و ارائه گردید.

**واژه های کلیدی:** سیره، سیره تربیتی، شاگردپروری، امام جعفر صادق(ع)

## ۱. مقدمه

آموزش و تعلیم و تربیت اسلامی از نخستین روزهای بعثت پیامبر اسلام آغاز شد و در حکومت نبوی درمینه تداوم داشت. امامان معصوم، به عنوان رهبران دینی و اخلاقی، نقش بسیار مهمی در تربیت و آموزش شاگردان خود داشته‌اند. سیره آن‌ها و رفتارهایشان در تربیت شاگردان، موضوعی بسیار مهم است که می‌تواند به عنوان یک الگو و راهنمایی برای افراد دیگر در تربیت و آموزش اخلاقی و معنوی شاگردان استفاده شود. در این مقاله به بررسی سیره امامان معصوم در تربیت شاگردان خود می‌پردازیم.

امامان معصوم، به عنوان رهبران دینی و اخلاقی، تربیت شاگردان خود را بسیار مهم می‌دانستند. آن‌ها با رفتارها و اخلاقیات خود، به عنوان الگویی برای شاگردان خود عمل می‌کردند. آن‌ها از اصول و ارزش‌های اخلاقی و معنوی پیروی می‌کردند و این اصول را به شاگردان خود نیز آموزش می‌دادند. امامان معصوم با رعایت اخلاقیات در تمام اعمال و رفتارهایشان، نشان دادند که چگونه می‌توان با اخلاق و ارزش‌های معنوی، تربیت و آموزش شاگردان را انجام داد. امامان معصوم با اهتمام به تربیت شاگردان خود، آن‌ها را به توسعه اخلاقی و معنوی خود تشویق می‌کردند. آن‌ها به شاگردان خود نشان می‌دادند که چگونه باید با دیگران رفتار کرد و چگونه باید ارزش‌های اخلاقی و معنوی را در زندگی خود پیاده کرد.

در جنگ بدر سوادآموزی به مسلمانان از سوی پیامبر (ص) شرط آزادی اسرای جنگی لحاظ شد. زمینه سازی برای تربیت شاگرد توسط امام حسن و امام حسین (ع) با نقل احادیث نبوی و امام سجاد (ع) با آموزش و تربیت «موالی» ادامه یافت. سال‌های ۱۲۵ تا ۱۴۰ دوران طلایی حدیث و معارف و شکوفایی فرهنگ شیعی بود. این موقعیت بینظیر، که به دلیل اختلافات بنی امیه و بنی عباس و چند عامل دیگر فراچنگ آمد موجب شد حلقه‌های درسی توسط امام صادق (ع) با تأسی به پدر بزرگوارشان تشکیل گردد و به تدریج توسعه یابد. طالبان علم از اقصای نقاط ممالک اسلامی نزد امام صادق (ع) شتافتند و ایشان با تشکیل حلقه‌های درسی کوچک و بزرگ، خصوصی و عمومی در شهر مدینه، در منزل و مسجد مدینه و دیگر مکان‌های مناسب، ضمن پاسخگویی به شبهات و القانات فرقه‌های منحرف به تقویت و گسترش مبانی عقیدتی و علمی مکتب تشیع و شاگردپروری در همه زمینه‌ها پرداخت (پاکتچی، ۱۳۹۱). این پژوهش درصدد آن است که بازتابی از سیر بنیانگذاری نظام شاگردپروری توسط امام صادق (ع) تا نهادهای سازی آن در دوران امامت ایشان را ارائه نماید. در مقاله حاضر ضمن مذاقه و تعمق در اصول و روش‌های تربیتی امامان معصوم (ع) به شیوه شاگردپروری امام جعفر صادق (ع) پرداخته شده است.

## ۲. تعریف شاگرد پروری

نظام شاگردپروری توسعه من انسان در نسبت با شاگردان و فرزندان علمی انسان است. در این نگاه، من انسان در مرتبه خانواده و اقوام نیز محدود نمی‌ماند و شاگردان را نیز در بر می‌گیرد؛ یعنی شاگردان به عنوان من حقیقی استاد، وجود گسترده او تلقی می‌شوند که غیر از خود او نیستند و در نسبت با استاد خود تعریف می‌شوند. شاگردپروری را با توجه به کارکرد آن میتوان اینگونه تعریف کرد: «شاگردپروری» یک کنش و فرهنگ آگاهانه است که یک مربی، معلم یا استاد با کاربرست تمهیداتی برنامه ریزشده طی فرایندی نظام مند، فراگیران را به گونه ای تربیت می‌کند تا افرادی متخلق، کارآمد و متخصص بار آمده و برای نقش‌های متناسب علمی در جوامع انسانی ایفای نقش نمایند (عابدینی، ۱۳۹۹).

## ۳. اصول آموزشی مبتنی بر سیره تربیتی معصومان (علیهم السلام)

در زمینه اصول آموزشی مبتنی بر سیره تربیتی معصومان (علیهم السلام) می‌توان به این اصول اشاره نمود:

- اصل ارتباط و جلب توجه مخاطب: اولین اصل از اصولی که معلم باید در تدریس رعایت کند این است که باید بیش از هر چیز با شاگردان ارتباط برقرار کرده و توجه آنها را به خود جلب کند. معصومان (علیهم السلام) به این امر توجه کامل داشته با شیوه های گوناگون، مانند طرح سوال، برانگیختن سوال در ذهن مخاطب، تاکید بر اهمیت مطلب، استفاده از کلمات یا عبارات خطابی در ضمن سخن، ابتدا توجه مخاطبان را به خود جلب کرده و سپس به بیان محتوای آموزشی می پرداختند.

به این روایت در زمینه طرح سوال توجه بفرمایید: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدِيرُ أَرْزَاقَكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ»؛ آیا شما را با سلاحی که از دشمن نجاتتان می دهد و روزی را بر شما سرازیر می سازد آشنا نسازم؟ گفتند چرا، فرمود: شبانه روز پروردگار خود را بخوانید و دعا کنید زیرا سلاح مومن دعاست (کلینی، ۱۴۰۷).

- اصل انگیزش: از دیگر اصول آموزشی در سیره معصومان (علیهم السلام) ایجاد و افزایش انگیزه و رغبت به یادگیری به عنوان یکی از مهم ترین عوامل موثر در فراگیری آن است. مثلاً یکی از عوامل انگیزه درونی که در آیات و روایات و سیره عملی معصومان (علیهم السلام) دیده می شود، تشویق به علم آموزی و یادگیری است. امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ أَلَا وَ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجِبَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ ضَمِنَهُ وَ سَيَفِي لَكُمْ وَ الْعِلْمُ مَخْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَ قَدْ أَمَرْتُمْ بِطَلَبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ»؛ ای مردم بدانید که کمال دین در طلب علم و عمل به آن است، و طلب علم بر شما واجب تر از طلب مال است، زیرا مال بین شما تقسیم و برای شما تضمین شده است؛ عادل آن را بین شما قسمت و ضمانت کرده و به زودی به عهد خود وفا خواهد کرد، ولی علم از شما پوشیده شده و نزد اهلش انداخته است و شما دستور دارید که به دنبالش بروید و آن را بجوید. (کلینی، ۱۴۰۷).

- اصل کوشش: از دیگر اصول آموزشی در سیره معصومان (علیهم السلام) کوشش و فعالیت یادگیرنده است یعنی کسی که می خواهد در مسائل علمی و دینی عالم و دانشمند شود باید خود در این زمینه فعال باشد، نه این که تنها منفعل و گیرنده باشد و منتظر بماند که معلم و استاد مطالب خود را بیان کند و او تنها گوشه ای باشد برای شنیدن و ضبط مطالب آنها. طالب علم باید با انگیزه و فعال در پی آموختن علم باشد و در مسائل علمی و دینی کند و کاو کند تا دست کم پرسش های لازم را فراهم آورد و از معلم و استاد در پاسخ به پرسش های خویش کمک بگیرد.

محمد بن منصور می گوید: «از امام باقر (علیه السلام) در باره آیه ۲۸ سوره اعراف پرسیدم، امام فرمود: آیا کسی را دیده ای که گمان کند خدا به زنا، شرب خمر و نظیر این محرمات امر کند؟ گفتم نه، فرمود پس این «فاحشه» ای که آنان ادعا می کنند خدا بدان امرشان کرده چیست؟ گفتم خدا و ولیش بهتر می دانند. فرمودند: این در مورد «ائمه جور» است که مدعی اند خدا آنان را به حکومت بر مردم امر کرده است و حال آن که خدا آنان را به چنین کاری امر نکرده است. (کلینی، ۱۴۰۷).

- اصل توجه به تفاوت های فردی: توجه به تفاوت های فردی از دیگر اصول آموزشی در سیره معصومان (علیهم السلام) است. انسان ها هر یک در موقعیت و محیط ارثی و زیستی ویژه خود رشد می کنند، از این رو گرچه انسان ها دارای مشترکات فراوانی هستند، تفاوت های بسیاری نیز دارند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی می فرمایند: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمَرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ»؛ همانا ما پیامبران ماموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم. (کلینی، ۱۴۰۷).

- اصل تفکر و تفقه: از دیگر اصول آموزشی در سیره معصومان (علیهم السلام) این است که خواندن و شنیدن تنها و حتی حفظ کردن، کفایت نمی کند، بلکه باید مطالب آموزشی را فهمید، در آن ها تفکر و آن ها را لمس کرد. البته خواندن، شنیدن و گاه

حفظ کردن لازمه و مقدمه فهم و تفکر است ولی نباید به این ها اکتفا شود بلکه باید از این مراحل مقدماتی گذشت و به مرحله تفکر، فهم عمیق و حتی عمل رسید. امیرالمومنین (علیه السلام) می فرمایند: «لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَكُّرٌ»؛ در علم بدون اندیشه خیری نیست زیرا تفکر مقدمه و لازمه فهم است. (کلینی، ۱۴۰۷).

- اصل استفاده از فرصت ها: از جمله اصول آموزشی در سیره معصومان (علیهم السلام) استفاده از فرصت های مناسب در آموزش دادن افراد است. این اصل از سویی موجب آسان شدن آموزش و از سوی دیگر موجب نشر و گسترش علم خواهد شد. زیرا معلم با تکیه بر این اصل همواره می کوشد در هر فرصتی که دانش آموزی پیدا شد به آموزش او بپردازد. افزون بر این همواره در صدد ایجاد فرصت های آموزشی برخواهد آمد.

آموزش در سیره معصومان (علیهم السلام) به زمان و مکان خاصی محدود نیست گر چه ممکن است زمان و مکان برای آن معین شود ولی هرگز محدودیتی نمی آورد. برای مثال معصومان (علیهم السلام) اغلب پس از طلوع آفتاب و در مسجد، به آموزش شاگرد می پرداختند ولی آموزش های آنان به این زمان و مکان منحصر نبود بلکه در هر زمان و در هر مکان که طالب علم، اهل درک و فهم و یا نیازمند به دانشی را می یافتند، به آموزش او می پرداختند.

- اصل تناسب محتوا با موقعیت و شرایط دانشجو: از جمله اصول آموزشی در سیره معصومان (علیهم السلام) این است که محتوای آموزشی باید با موقعیت یادگیرنده از قبیل نیازها، زمان و مکان آموزشی، روش آموزش و... متناسب باشد، زیرا این امر اولاً در راستای اصل عمل گرایی در آموزش و هماهنگی با آن است و ثانیاً در کیفیت آموزش تاثیر بسزایی دارد. تحقق این اصل به دو صورت ممکن است: اول این که محتوا را متناسب با شرایط انتخاب کنیم و دیگر آن که شرایط را متناسب با محتوای آموزشی تغییر دهیم. البته در مواردی که محتوای آموزشی ثابت است، به ناچار باید شرایط مناسب را ایجاد کرد ولی در مواردی که محتوا ثابت نیست و قابل انعطاف و تغییر است محتوا و شرایط هر دو تغییر پذیرند.

برای مثال امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر گاه می خواست اصحاب را به جنگ بفرستد آنان را جمع می کرد و می فرمود: «با نام و کمک خدا و در راه خدا و با (اعتقاد) به دین رسول خدا حرکت کنید و خیانت نکنید، مثله نکنید، حيله نکنید، پیرمرد ضعیف و کودک و زن را نکشید، درختی را قطع نکنید مگر این که ناچار شوید؛ و هر کدام از شما ضعیف ترین یا برترین شما مسلمانان مردی از مشرکان را پناه داد او در امان است تا کلام خدا را بشنود اگر پیرو شما شد برادر دینی شماست و اگر سرباز زد او را به جایگاه خویش برسانید و از خدا یاری بجوید

بنابراین یکی از اصول آموزشی در سیره معصومان (علیهم السلام) اصل تناسب محتوای آموزشی با شرایط دانش آموز است. این اصل نیز دارای آثار آموزشی بسیاری از جمله یادگیری بیشتر و بهتر، افزایش انگیزه یادگیری، همراه شدن آموزش عملی با آموزش نظری آسان تر ساختن تدریس معلم و... است.

- اصل عمل گرایی: از دیگر اصول آموزشی در سیره معصومان (علیهم السلام) اصل عمل گرایی است. به این معنا که تلاش آن بزرگواران بر این بوده که مطالب آموزشی برای عمل آموخته شوند و به عمل بینجامد. تکیه بر این اصل را می توان از دو جهت تربیتی و آموزشی توجیه کرد. جهت تربیتی آن است که علمی که در عمل به کار دانش آموز یا دیگران نیاید، نه تنها بی فایده است که باری بر دوش دارنده آن خواهد بود و باید از آن پرهیز کرد.

بخشی از حکمت اصرار بر عمل به آموزه ها را می توان چنین بیان کرد که عمل به آموزه ها نقش موثری در یادگیری و به خاطر سپاری آن ها دارد. کاربرد آموزه ها در عمل افزون بر این که مرور دوباره آنهاست نوعی یادگیری یا آموزش عملی و نیز کارورزی محسوب می شود، از این رو در تکمیل یادگیری و یادسپاری و عمق بخشیدن به آموزش بسیار موثر است. امام

صادق (علیه السلام) می فرماید: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ؛ فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ، وَ مَنْ عَمِلَ عَمِلَ، وَ الْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ، فَإِنْ أَجَابَهُ، وَ إِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ»؛ علم با عمل همراه است کسی که بداند عمل می کند و کسی که عمل کند خواهد دانست. علم عمل را ندا می کند اگر پاسخ داد می ماند و گرنه رخت برمی بندد. (کلینی، ۱۴۱۷).

-اصل ارزشیابی: از دیگر اصول آموزشی در سیره معصومان (علیهم السلام) اصل ارزشیابی است. هدف اصلی از ارزشیابی آموزشی شناخت میزان آمادگی و توانایی دانش آموزان و نیز اصلاح یادگیری آنان است. این شناخت در مسائل آموزشی به آموزگار و دانش آموز در برنامه ریزی های آینده کمک خواهد کرد، زیرا معلم می تواند بر اساس این ارزشیابی محتوای آموزشی بعدی را ارائه کند و دانش آموز نیز می تواند براساس آن به عیب ها و ضعف های خود پی برده و به جبران و رفع آنها بپردازد. افزون بر این، ارزشیابی های آموزشی کنونی، این امکان را فراهم می آورد که دانش آموز مروری دو باره بر آموخته های گذشته خود داشته باشد و آن ها را به صورت بهتری بیاموزد.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که روزی از یکی از شاگردان خود پرسید: «از من چه آموخته ای؟ گفت هشت مسئله از شما آموخته ام. امام فرمود: آن ها را برایم بازگو. گفت اول این که دیدم هر محبوبی دوست خود را به هنگام مرگ رها می کند، از این رو همت خود را صرف چیزی کردم که مرا در تنهایی رها نکند بلکه انیس تنهایی ام باشد و آن، کار نیک است. امام فرمود به خدا قسم چه نیک آموخته ای.

بنابراین یکی از مسائل مهم تربیت اسلامی کشف اصول و روش های آموزشی در سیره تربیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) است. آنان با شناختی که از خدا، انسان و هستی دارند حقیقت را دریافته اند و بر اساس آن عمل می نمایند. بنابراین شیوه های آموزشی، اصول و آدابی که آن ها در آموزش به کار می بردند از نظر علمی و روانی بیشترین تاثیر را بر مخاطب می گذارد (پاکتچی، ۱۳۹۱).

#### ۴. شاگردپروری در سیره تربیتی امام صادق (ع)

امام صادق (ع) با درک عمیق از موقعیت و برهه حساس زمانی، برای تبیین معارف اسلامی رویکرد شاگردپروری را در برنامه کاری خویش قرار داد. کثرت شاگردان ایشان امری متواتر و لااقل مستفیض است. علما و مؤلفین شیعه و سنی که در نقل های تاریخی مشهور در مورد تعداد شاگردان امام صادق (ع) مطلب نوشته اند بر سه دسته اند :

دسته اول تنها به ذکر کثرت شاگردان و راویان پرداخته اما از تعداد آن سخنی به میان نیاورده اند. «امام صادق (ع) از نظر فقه، علم و فضل از سادات اهل بیت (ع) بود و ثوری و مالک و شعبه و راویان زیادی از او نقل حدیث کرده اند.» (ابن حبان، ۱۳۹۵ق).

دسته دوم علاوه بر اذعان به کثرت روات و شاگردان به تعداد آن نیز اشاره کرده اند اما نامی از شاگردان به میان نیاورده اند. همانند شیخ مفید که پس از اشاره به گستره علمی امام (ع) و انتشار آوازه علمی ایشان در بلاد مختلف میگوید: «از هیچیک از عالمان اهل بیت (ع) همانند او حدیث نقل نشده است و اهل حدیث کسانی را که از امام صادق (ع) روایت نقل کرده اند جمع آوری نموده اند و تعداد افراد ثقه و مورد اطمینان آنها علیرغم اختلافشان در نظریات و گفتار، به چهار هزار نفر می رسند.» (مفید، ۱۴۱۳) طبرسی نیز اسامی کسانی را که از ایشان حدیث نقل کرده اند را ۴۰۰۰ نفر ذکر میکند. (طبرسی، ۱۴۱۷).

دسته سوم افزون بر اشاره به کثرت شاگردان و راویان به نام آنان نیز اشاره کرده و فهرستی از روات و شاگردان امام (ع) را ارائه کرده‌اند همانند کتاب رجال طوسی باب اصحاب ابی‌عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) که از ۳۲۱۱ تن راوی مرد و ۱۳ راوی زن نام می‌برد و به معرفی اجمالی هریک و ذکر نام کتب و روایاتی که از آنان نقل شده است می‌پردازد.

«امام صادق (ع) نه تنها به تعلیم علوم مختلف دینی همچون فقه، اصول، کلام، تفسیر و دیگر علوم اسلامی اقدام نمود به دیگر علوم نیز اهتمام ورزید. آن حضرت اقدام به تربیت شاگردانی در زمینه‌های مختلف علمی مانند ریاضیات، شیمی، فلسفه و... نمود.» (چراغیان راد، ۱۳۹۸). امام صادق (ع) با شناخت کامل از روحیات شاگردان، آنها را دسته بندی می‌کردند. استعداد و توانایی، تجربه و علاقه شاگردان و نیازهای جامعه در این دسته بندی مورد توجه امام (ع) قرار داشت. به این فرایند در این پژوهش متخصص پروری اطلاق می‌کنیم. اصول کلی متخصص پروری که در تنی چند از اصحاب امام صادق (ع) متبلور شده است بدین قرار است:

۲. امام صادق (ع) هریک از شاگردان خود را بنا به استعداد و تخصص در یک علم تشویق می‌کردند. در علم فقه، مردم را به ابان بن تغلب ارجاع میداد و فرمود پدرم به ابان فرمود: تا در مسجد مدینه بنشینند و برای مردم فتوا بدهند (نوری، ۱۴۲۸).

در علم کلام نوعی دسته بندی در گماردن و تشویق امام (ع) نسبت به شاگردانش مشاهده می‌شود. ایشان چند تن از یاران خود را به مناظره با مخالفان یا دیگر مذاهب و فرقه‌ها واداشت و در برخی از موارد به اصلاح روش آنان از نظر استدلال و شیوه بحث پرداخت (مفید، ۱۴۱۳).

در مناظرهای موسوم به روایت رجل شامی، امام (ع) با شناخت کافی از خصوصیات، تبخّر و تخصص شاگردانش عملکرد آنان را در مقام عمل نظارت کردند و به طور دقیق به بررسی و تجزیه و تحلیل آن اقدام و نکات آموزشی و اخلاقی فراوانی را بدانان گوشزد نمودند و آنان را به یادگیری روش مناظره تشویق کردند (کلینی، ۱۳۸۸).

براساس گزارش‌های تاریخی، شاگردپروری امام صادق (ع) در عملکرد امام (ع) خلاصه نمی‌شد، بلکه شاگردان خود را نیز تشویق به شاگردپروری میکردند. در ماجرای زندیق مصری امام (ع) پس از برتری در مناظره و ایمان آوردن زندیق، او را به هشام ابن حکم می‌سپارد. بنابراین شاگردپروری نخبگانی به عنوان یک رویکرد دائمی و پویا در نظام تربیتی و آموزشی امام (ع) به شکل برنامه ریزیشده و نظام مند چه به لحاظ نظری و چه از جنبه عملی به اجرا درآمده و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

## ۵. اصول آموزشی شاگردپروری در سیره امام صادق (ع)

امام صادق (ع) بستر مناسبی برای بازسازی نظام‌مند و عالمانه نظام آموزشی شیعی تدارک دیدند و از هر فرصتی برای زایایی و پویایی این نظام بهره بردند. یکی از مهمترین زمینه‌های گسترش این نظام مناظره‌ها و مباحثاتی بود که امام (ع) با عالمان و معتقدان به فرقه‌ها، ادیان و نحله‌های مختلف دروندینی و برون-دینی داشتند. مناظره با رجل شامی یکی از رخدادهایی بود که سرآمدی امام (ع) و شاگردان ایشان در علوم دینی را به رخ کشید. تأمل در لایه‌های درونی و بیرونی این مناظره، اصول و روش‌های آموزشی و اخلاقی بسیاری را پیش چشم می‌نهد. «منظور از اصل، قواعد کلی حاکم بر آموزش و تربیت است که دارای ماهیتی هنجاری، و ناظر به «باید» هاست.» (مشایخی، ۱۳۹۱) «منظور از روش در اینجا مجموعه اقدامات و راهکارهایی است که کاربرد آنها موجب تحقق اهداف را فراهم می‌سازد. تفاوت اصل و روش در این است که اصل، دامنه‌ای وسیعتر دارد و می‌تواند در آن واحد بر چند روش گوناگون حاکم و ناظر باشد، درحالیکه روش تربیتی، خاص موقعیت ویژه‌ای است و متناسب با موقعیت باید از روش‌های خاصی برای رسیدن به اهداف تربیتی بهره جست» (عابدی، ۱۳۷۹).

نقش مدیریتی امام صادق (ع) در این مناظره به خوبی مشهود است. مدیریتی که ناشی از تفکر و برنامه ریزی پیش بینی و رویکرد متخصص پروری است. هنگامیکه مرد شامی بر امام (ع) وارد می شود و تقاضای مناظره می کند تنها امام (ع) و راوی یونس بن یعقوب در خیمه حضور دارند. یقیناً خود امام (ع) توانایی مناظره با مرد شامی را دارد اما از راوی را به دنبال افراد متخصص در علوم مختلف می فرستد تا میزان تخصص شاگردانش در مراوده با مرد شامی محک بخورد. مرد شامی هر موضوعی را برای مناظره درخواست می کند امام (ع) لااقل یک نفر برای مناظره با او در اختیار دارد. معرفی افراد، به این معناست است که امام (ع) از پیش، آموزش های لازم را در زمینه های ادبیات، فقه، کلام و ... به آنان داده است و اکنون به تقاضای مرد شامی آنها را در حیطه عمل وارد می کند تا توانمندی آنان در مقام عمل در این زمینه ها به اثبات برسد و امام (ع) تنها در رشته ای که تخصص دارند از آنان بهره می گیرد.

## ۶. روش های آموزشی امام جعفر صادق (ع) در شاگردپروری

از آموزه های اسلامی که رسم ادب نیز بر آن صحنه میگذارد این است که همواره شاگرد در خدمت استاد حاضر شود و در پی علم آموزی از او باشد. اما این حکم کلی نیست. استاد نیز در برخی مواقع باید در جستجوی شاگرد برآید. گرچه امام (ع) توان کافی و فراتر از شاگردان خود در مناظره با مرد شامی را دارا بوده اما با فراخوانی شاگردان، آنان را در کارزار وارد می سازد تا اصول و روش های مناظره را به صورت عملی به آنان آموزش دهد و میزان توانایی آنان را در معرکه، سنجش و ارزیابی نماید.

- روش آموزش کارگاهی: یکی از ارکان مهم شاگردپروری، آموزش عملی است که امروزه به آن اصطلاحاً آموزش کارگاهی گفته می شود. آموزش کارگاهی واجد مشخصات و فواید فراوانی است که متخصصان تکنولوژی آموزشی با پژوهش های میدانی آثار آن را اثبات کرده اند (حسینی نودری، ۱۳۹۲) قبل از شروع مناظره بین امام (ع) و مرد شامی گفتگوی مختصری رد و بدل می شود که امام (ع) نکات آموزشی را در حین اجرای مناظره به یونس (راوی) یادآور شده، می گوید: «هَذَا قَدْ خَصَمَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ» درواقع با روش آموزش عملی به یونس نشان میدهد که طرف مقابل، خود را در مخمصه ای غیرقابل دفاع قرار داده است.

در پایان مناظره امام (ع) عملکرد شاگردان خود را مورد نقد و بررسی قرار میدهد و نقاط ضعف و قوت آنان را به صورت کارگاهی به آنها تذکر میدهد.

- روش باز کردن و گسترش فضای بحث: در این مناظره هنگامی که انگیزه مرد شامی در اثر شکست از یاران امام (ع)، تقلیل می یابد امام (ع) از روش تشویق به باز کردن و گسترش فضای بحث بهره می برد و او را ترغیب میکند که از هشام سؤال کند: «از او پرسش کن که او را دانشمند، باسواد خواهی یافت. این پیشنهاد از دو سو به فضای بحث کمک میکند. از یکسو تشویقی برای مرد شامی برای ناامید نشدن و ادامه مناظره است و از سوی دیگر تشویقی برای هشام است که امام (ع) او را مردی باسواد و دانشمند معرفی میکند (پاکتچی، ۱۳۹۱).

## ۷. نتیجه گیری

سیره امامان معصوم در تربیت شاگردان، می تواند به عنوان یک الگو و راهنمایی برای افراد دیگر در تربیت و آموزش اخلاقی و معنوی شاگردان استفاده شود. امامان معصوم با رفتارها و اخلاقیات خود، نشان دادند که چگونه می توان با اخلاق و ارزش های

معنوی، تربیت و آموزش شاگردان را انجام داد. این سیره می‌تواند به عنوان یک الگو و راهنمایی برای افراد دیگر در تربیت و آموزش اخلاقی و معنوی شاگردان مورد استفاده قرار گیرد.

در فرایند تربیت و آموزش، اصول و روش‌هایی برای شاگردپروری وجود دارد که کاربست بهینه آنها یک استاد را از دیگر اساتید متمایز می‌کند و راهکارهای به کاررفته در روش تربیت و آموزش شاگردان را امتیاز می‌بخشد. این فرایندها و راهکارها هنگامی که به شکل برنامه ریزی شده و هدفمند- و نه اتفاقی- در سیر دانش‌افزایی دانشجویان و طالبان علم به کار گرفته شود عنصری به نام شاگردپروری، پدیدار می‌شود که میزان تأثیرگذاری مرجع علمی را دوچندان می‌کند. در این مقاله با ارائه یک نمونه عملی و کارگاهی، اصول و روش‌های به کار رفته در مدرسه علمی امام صادق (ع) اکتشاف و روش آموزشی و اخلاقی ایشان در فکر و عمل از آن استنباط و ارائه گردید. گروه‌هایی از دانش‌پذیران از نقاط جغرافیایی مختلف با گسترش مفاهیم دینی و معارف شیعی موجبات توسعه روند دانش‌افزایی از حلقه شاگردان مستقیم به حلقه‌های بعدی را فراهم آوردند. یافته‌های پژوهش شامل تعدد و گونه‌گونی شاگردان، جامعیت علمی و گونه‌گونی تخصص علمی به عنوان الزامات شاگردپروری؛ و هشت اصل آموزشی: پذیرش بی تکلف دانش پژوه، رتبه بندی شاگردان، آزاداندیشی، اطمینان به شاگردان، رعایت اصول و قواعد فنی مناظره، عدالت محوری، تخصص محوری و نقد عالمانه و منصفانه؛ پنج اصل اخلاقی شامل: رعایت عدالت، عدم مقایسه شاگردان، تعظیم پیر و تکریم جوان، سعه صدر، برخورد هدایتی و دلسوزانه؛ روش‌های آموزشی شامل: جستجوی شاگرد، آموزش کارگاهی، گسترش فضای بحث.

#### منابع:

- ابن حبان، محمد بُستی (۱۳۹۵ ق). الثقات، حیدرآباد دکن، دائرةالمعارف العثمانیه.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۱). مبانی و روش اندیشه علمی امام صادق (ع)، اصول و روش‌های حاکم بر مناظرات امام صادق (ع)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- چراغیان‌راد، مصطفی (۱۳۹۸). «بررسی نقش ائمه شیعه تا امام رضا (ع) در گسترش و پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی»، نشریه علم و تمدن در اسلام، ش ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷). إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، موسسه آل البيت لإحياء التراث.
- عابدی، لطفعلی (۱۳۷۹). «اصول تربیت در اسلام با تکیه بر قرآن کریم»، فصلنامه مصباح، ش ۳۶.
- عابدینی، محمدرضا، قاسمی، حسین (۱۳۹۹). شاگردپروری: تربیت شاگردان در سیره تربیتی اهل بیت (ع)، قم، دفتر نشر معارف.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیه). دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۰.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- مشایخی، شهاب الدین (۱۳۸۱). «اصول تربیت از دیدگاه اسلام»، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۳۲.



نادری، عاطفه و دیگران (بهار ۱۴۰۰). «بازشناسی مؤلفه‌های شاگردپروری در عرفان اسلامی با تأکید بر منش معلمي جنید بغدادی، بایزید بسطامی و نجم‌الدین کبری»، فصلنامه علمی تربیت اسلامی، ش ۳۵.

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۲۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع).